



The right to education of women in the thought of Islamic jurists

Abstract

Education is one of the most important categories, which is recognized as one of the examples of human rights both from the point of view of contemporary law and from the point of view of Islamic Sharia. The right to education of a woman in the thought of Islamic thinkers is not only a privilege, but in some cases, an obligation and obligation. has also been raised. The jurisprudential view of Ayatollah Azmi Mohseni (RA) regarding the right of women to education can be deduced from his scientific and jurisprudential sources and works. In many books and statements, he considered men and women to have the same right to education, and even in some cases, he considered learning some modern and experimental sciences (including medicine) as obligatory and sufficient for women. From the point of view of the aforementioned jurist, the primary ruling for women to have the right to education in Islamic Sharia is undeniable, and the reason for that is the cultural, administrative, educational and service needs hidden in the knowledge and awareness of women, which Sharia also rules as expedient for both men and women. Not only as a right, but as a duty, but in his opinion, the vulnerability of women, which is rooted in their nature, requires the existence of some restrictions, which in case they occur in special circumstances, are imposed to preserve the most worthy expediency, which in this case can be He mentioned the existence of danger and threat to religion, piety, chastity, character and decency of women in the environment and flow of education.

Keywords: Education, women's right to education, the necessity of women's education, limitations and conditions.



حق آموزش زن در اندیشه فقهای اسلامی

محمدرضا معرفت*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۲۰

چکیده

آموزش و تحصیل از مهم‌ترین مقوله‌های است که هم از دید حقوق معاصر و هم از منظر شریعت اسلامی به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر شناخته شده است. حق آموزش زن در اندیشه اندیشمندان اسلامی نه تنها صرفاً یک امتیاز که در برخی موارد به عنوان یک وجوب و تکلیف شرعی نیز مطرح گردیده است. نگاه فقهی آیت الله العظمی محسنی (ح) در مورد حق تحصیل زنان از منابع و آثار علمی و فقهی ایشان قابل استنباط است. وی در کتب و بیانات متعدد زن و مرد را به طور یکسان از حق تحصیل برخوردار دانسته و حتی در مواردی آموختن برخی از علوم عصری و تجربی (از جمله علم طب) را برای زنان واجب کفایی محسوب نموده است. از منظر فقهی نامبرده حکم اولیه برای برخورداری زنان از حق تحصیل در شریعت اسلامی غیر قابل انکار بوده و دلیل آن نیز ضرورت‌های فرهنگی، اداری، تربیتی و خدماتی نهفته در دانش و آگاهی زنان است که شریعت نیز به حکم مصلحت آن را برای زن و مرد نه تنها به عنوان حق که به عنوان تکلیف در نظر گرفته است اما به باور ایشان آسیب‌پذیری زنان که ریشه در طبیعت آنان دارد مستلزم وجود برخی از محدودیت‌های است که در صورت واقع شدن آنها در شرایط و احوال خاص جهت حفظ مصلحت شایسته‌تر وضع می‌گردد که در این

* کدر علمی پوهنتون خاتم النبیین (ص) غزنی، نویسنده.

مورد می‌توان از موجودیت خطر و تهدید به دیانت، تقوا، عفت، شخصیت و نجابت زنان در محیط و جریان تحصیل نام برد.

واژگان کلیدی: آموزش، حق آموزش زن، ضرورت آموزش زنان، محدودیت‌ها و شرایط.

مقدمه

حق آموزش در واقع نوعی امتیازی است که کلیه‌ی انسانها برای رشد فردی و توسعه اجتماعی نه تنها از آن برخوردار که بدان نیازمند هستند. حقوق بشر مدرن و معاصر که زاده مدرنیته می‌باشد به برخورداری بشر از مجموعه‌ی حق‌های تأکید نموده است که هر انسان به جهت انسان بودن از آن برخوردار است که حق آموزش یکی از مصادیق آن به شمار می‌رود. این مقوله در اندیشه اندیشمندان اسلامی با وجود تأکید فراوان به فراگیری علم اما در مورد حق آموزش زن همواره اما و اگرهای مطرح گردیده که مستلزم بررسی دقیق و فهم عمیق مستندات آن در متون دینی و آثار اندیشمندان برجسته اسلامی است.

در این نوشتار با توجه به اهمیت بحث که هم از جهت نظری و هم از بعد عملی برای جامعه و امت اسلامی هویدا است؛ حق آموزش زنان در پرتو تحقیقات فقهی اکادمسین فقید افغانستان آیت الله محسنی (ح)^۱ مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. نویسنده بر آنست که با بررسی دیدگاه‌های فقهی فقیه نامبرده برای مسأله اصلی این تحقیق پاسخ دقیق دریابد. مشخص است که مسأله اصلی در این تحقیق چیستی حکم تحصیل زنان در فقه اسلامی و اندیشه فقهی آیت الله محسنی (ح)^۲ است.

الف) مفهوم حق بر آموزش

حق آموزش که در برخی منابع از آن به عبارت آزادی آموزش نیز نام برده شده است به طور خلاصه به معنای برخورداری از امتیاز تعلیم و تعلم است. به عبارت دیگر، مراد از حق آموزش آنست که هر انسان از صلاحیت و توانایی «آموزش دیدن» و «آموزش دادن» برخوردار باشد و هیچگونه مانعی در این زمینه بر سر راهش وجود نداشته باشد. (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۶۹)

آنچه مسلم است این نکته است که بحث از حق آموزش به طور کلی و حق آموزش زن به طور خاص در چارچوبه مباحث حقوق بشر قابل طرح و تبیین است. بدین لحاظ با مطالعه منابع حقوق بشر حق بر آموزش از سوی همه حقوقدانان به عنوان مصداقی از حقوق بشر شناخته شده است و ازین جهت هیچگونه تفاوتی در مورد برخورداری از آن میان انسان‌ها از حیث جنسیت، زبان، نژاد، قومیت، ولادت، تابعیت، مذهب و... وجود ندارد. براین اساس، انسان‌ها به جهت انسان بودن از حق «آموزش دیدن» و «آموزش دادن» برخوردار می‌باشند.

اسناد حقوق بین الملل معاصر نیز با همین رویکرد حق آموزش را از مصادیق حقوق بشر عنوان نموده و میکانیسم‌های جدی را برای حمایت و ترویج آن در نظر گرفته است. (ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶) با عبور از اسناد حقوقی معاصر در مورد مقوله حق آموزش می‌بینیم که این مسأله از دیدرس فقهای اسلامی نیز به دور باقی نمانده است چه بسا نویسندگان حقوق اسلامی (فقها) نسبت به این موضوع مباحث عمیق‌تر و دقیق‌تری را مطرح نموده است. اما آنچه را می‌توان مورد اتفاق همه فقهای اسلامی دانست این نکته است که حق آموزش به عنوان حق انسانی برای کلیه انسانها مسجل و تثبیت گردیده است و در اصل برخورداری از این حق هیچگونه تفاوتی میان انسانها از جهت جنسیت، ولادت، نژاد، مذهب، قومیت، تابعیت و... وجود ندارد.

نویسندگان اسلامی نیز با استناد به متون دینی و شرعی، تعلیم و تعلم را همانند تربیت و تزکیه از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبران الهی برشمرده و آن را در جهت تعالی و تکامل انسان لازم دانسته اند. (الیاسی، ۱۳۹۴: ۳۵۲) به باور اندیشمندان اسلامی، تعلیم و تعلم نه تنها به عنوان حق بلکه به عنوان وظیفه و تکلیف برای مسلمانان سپرده شده است. برای اثبات این سخن به این حدیث مبارک رسول الله (ص) می‌توان استناد نمود که فرمود: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم». (کلینی، ۱۳۸۵: ۳۰/۱ و مجلسی، ۱۳۸۵: ۱۷۱/۱) هرچند برخی از فقهای اسلامی سند حدیث مذکور را قوی نمی‌دانند. اما آیت الله محسنی (ح) در کتاب معجم الاحادیث المعتمره به دلیل تواتر این حدیث آن را صحیح و دارای اعتبار دانسته است. به باور ایشان مراد از کلمه «مسلم» در این حدیث اعم از زن و مرد است چنانچه در بسیاری از آیات قرآن مجید نیز اینگونه لحاظ گردیده است. (محسنی، معجم الاحادیث المتبره، ۱۳۹۶: ۵۱/۱)

در مورد نگاه اسلام به حق آموزش به طور عام و حق آموزش زن به طور خاص بیان حدیث فوق الذکر کفایت می‌کند و جای برای هیچگونه تردید باقی نمی‌گذارد. اما پاره‌ای از فقهای اسلامی نیز با استناد به نص صریح آیات شریفه قرآن کریم، آموختن علم و دانش را نه تنها منع ندانسته اند بلکه مورد سفارش اکید قرار داده‌اند. آیه شریفه: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه/۱۱۴) که خداوند بشر را دستور به درخواست افزایش علم از پیشگاه ربوبیت خویش نموده است و فرموده: «و بگو پروردگارا بر دانشم بیافزا!»

از سوی دیگر در نخستین آیات نازل شده به پیامبر گرامی اسلام، خداوند پیامبر خود را به خواندن دستور می‌دهد و می‌فرماید: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق/۱) به باور مفسرین و





نویسندگان اسلامی خداوند متعال به واسطه این آیه شریفه، عقل انسان را از تاریکی جهل و خرافات به سوی روشنائی علم و معرفت و تربیت دعوت می‌کند. (الغامدی، ۱۳۹۴: ۱۵۴)

با دقت به این آیات شریفه و دیدگاه‌های مفسرین جهان اسلام روشن می‌گردد که تحصیل و آموزش برای نوع بشر اعم از زن و مرد نه تنها به عنوان حق که شاخص برتری وی نسبت به دیگران نیز به حساب می‌آید. بنابراین می‌توان بحث را اینگونه پیگیری نمود که حق بر آموزش هم از منظر حقوق بین الملل معاصر و هم از نظر حقوق و فقه اسلامی مورد احترام واقع گردیده است و صرفاً با این تفاوت که در حقوق بین الملل معاصر صرفاً به عنوان یک امتیاز برای نوع بشر در نظر گرفته شده است اما در متون دینی اسلامی علاوه بر اینکه امتیاز و حق برای دارنده آن است بلکه به عنوان امتیاز و دلیل برتری یک انسان نسبت به سایر انسانها از یکسو و به عنوان تکلیف و فریضه دینی از سوی دیگر در نظر گرفته شده است. کلینی مرحوم در اول اصول کافی به سند صحیح نقل کرده است: «عالم ینتفع بعلمه خیر من سبعین الف عابد» به این معنا: «عالمی که به علمش نفع ببرد (یا نفع برده شود) از هفتاد عابد بهتر است.» بدون شک آموختن علم در اندیشه و باور اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است که در آیات و احادیث متعدد می‌توان به این نکته دست یافت. آنچه منطق قرآنی در مورد آموزش و تحصیل از خود بازتاب می‌دهد نه تنها یک امتیاز طبیعی برای بشر بلکه رمز تعالی و کمال بشر نیز دانسته شده است به گونه ای که خداوند اهمیت آموختن علم را برابر با ایمان انسان مؤمن دانسته است و فرموده است: «یرفع الله الذین آمنو منکم والذین اوتوا العلم درجات» (مجادله/۱۱) یا اینکه خداوند در جای دیگری قرآن موضوع را جدی تر مطرح می‌کند و اهمیت علم و جایگاه عالم را در قالب استفهام انکاری تبیین می‌کند: «هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون» (زمر/۹) این آیات به صراحت اهمیت آموختن علم را برای بشر محرز و آشکار می‌سازد که در همه آیات به طور مطلق مطرح گردیده است و صرفاً به طبقه خاص، جنسیت خاص، قومیت و مذهب خاص تعلق ندارد. بنابراین آموزش در اندیشه اسلامی هم حق پنداشته می‌شود، هم تکلیف و هم وجه تمایز و برتری انسانها نسبت به یکدیگر قرار می‌گیرد.

ب) حق آموزش زنان در نگاه فقهای اسلامی

درگفتار اول این نوشتار بیان شد که از یکسو حق بر آموزش یکی از حقوق طبیعی و ذاتی بشر است که هم از نظر نظام‌های حقوقی معاصر و هم از نظر احکام و متون شرعی اسلام مورد حمایت قرار گرفته است. از سوی دیگر، این امتیاز در کلیه‌ای نظام‌های حقوقی برای نوع

انسان به جهت انسان بودن وی تعلق گرفته است و هیچ تفاوتی میان انسان‌ها از جهت جنسیت، قومیت، مذهب و... وجود ندارد. از سوی سوم، تفاوت میان نگاه حقوق مدرن و حقوق اسلامی نسبت به حق تحصیل و آموزش این است که در حقوق مدرن آموزش دیدن و آموزش دادن صرفاً به عنوان یک حق و امتیاز برای انسان شناخته شده است اما در باور اسلامی نه تنها حق که فراتر از آن به عنوان تکلیف و فریضه در نظر گرفته شده است. اثاب کننده این سخن برخی از آیات قرآن کریم است که آموزش و علم را موجب امتیاز و برتری انسانها نسبت به یکدیگر عنوان نموده است. اما در این گفتار برآنیم که نگاه فقهای اسلامی را به طور مفصل‌تر در مورد حق آموزش زنان مورد واکاوی قرار دهیم.

آیت الله محمدیزدی یکی از فقهای اسلامی حق تحصیل علم را یکی از حقوق طبیعی و از مصادیق حقوق بشر عنوان نموده و گفته است: «هیچ کس را نمی‌توان از تحصیل منع کرد، منع از تحصیل یک کار ضد حقوق بشری است.» (یزدی، ۱۳۹۰، ۷۰) علامه حلی^(ح) در مورد حق تحصیل چنین ایراد نموده است که حکم اسلام در مورد تحصیل علم به چند دسته تقسیم می‌شود. برخی علوم آموختن آن واجب عینی است که ما آن را علم عقائید مینامیم. برخی علوم فراگیری آن واجب کفایی است مانند علم اصول فقه، طب، ریاضی و... برخی علوم فراگیری آن مستحب است مثل آموختن هر رشته‌ای علمی که متخصص به اندازه کافی در آن مورد در جامعه وجود دارد. برخی علوم آموختن آن حرام است مثل سحر، کهنات و امثال آن که در این احکام هیچ تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد صرفاً زنان باید در فراگیری علم سعی کند مرتکب حرام نشود. (حلی، تذکره الفقهاء: ۳۶-۳۷/۹)

آیت الله فیاض^(دام‌عزه) که یکی از فقهای به نام جهان اسلام به شمار می‌رود، نیز با استناد به حدیث پیامبر گرامی اسلام که فرموده است: «العلم علما، علم الأبدان و علم الإیمان» یعنی علم دو نوع است یکی علم دین و دیگر علم بدن (علم طب) چنین تبیین نموده است که اسلام علم طب را در ردیف علم دین قرار داده و جامعه‌ی را که از علم طب فاصله داشته باشد جامعه بیمار، عقب مانده و بی ارزش می‌داند در این خصوص نیز هیچ تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد.

ج) حق آموزش زن در اندیشه حضرت آیت الله محسنی^(ح)

پیرامون حق تحصیل زن از منظر برخی از فقهای اسلامی بحث مختصری مطرح گردید. اینک به بررسی دیدگاه فقهی آیت الله محسنی^(ح) در مورد حق آموزش زنان می‌پردازیم که رویکرد این نوشتار نیز بیشتر متمرکز به دیدگاه‌های فقهی ایشان است. در اینجا لازم می‌دانم





که قبل از طرح فتاوی شرعی و نظریات فقهی ایشان این بریده‌ای از سخنان ایشان را به‌عنوان مقدمه بحث مطرح کنم. ایشان در یکی از سخنرانی‌های علمی خود چنین ایراد نموده‌اند: «زنان می‌توانند هم در علوم تجربی، هم در علوم انسانی و هم در علوم دینی متخصص باشند» (قطعه‌ای از سخنرانی نامبرده) این سخن به‌طور کلی می‌تواند بیانگر نظر فقهی ایشان در مورد حق آموزش زنان قرار بگیرد.

برای بررسی دیدگاه آیت الله محسنی^(ح) در مورد حق آموزش زنان منابع زیادی از ایشان در دسترس قرار دارد که می‌توان کتب، سخنرانی‌ها، جلسات درسی، توضیح‌المسائل شرعی و استفتائات وی را نام برد. به صورت کلی می‌توان دیدگاه‌های ایشان در مورد حق آموزش زنان را در چهار مبحث جداگانه مورد بررسی قرار داد. اما قبل از آن باید یادآور شد که نگاه کلیه فقهای اسلامی با استناد به منابع دسته اول شرعی اسلام نسبت به حق آموزش زنان جنبه اثباتی داشته و هیچ مجتهدی در حکم اول زنان را از حق آموزش محروم نمی‌داند بلکه آن را مورد سفارش و تأکید نیز قرار داده‌اند. اما با توجه به شرایط و احوال خاصی که بعداً به بیان آن می‌پردازیم زنان ممکن است تحت آن شرایط از آموزش منع شوند که حتی از نظر شرعی برخی فقها، در شرایط مزبور بر آموزش و تحصیل مردان نیز محدودیت وضع می‌شود که در جای خودش بیان خواهد شد. از دیدگاه آیت الله العظمی محسنی نیز حق تحصیل زن مطابق حکم اولی شرعی نه تنها به‌عنوان حق و امتیاز که به‌عنوان تکلیف و وظیفه شرعی در نظر گرفته شده است. در ذیل به ترتیب مطابق نظر فقیه نامبرده مباحث را در سه بخش: «دیدگاه کلی»، «ضرورت آموزش زنان» و «شرایط و محدودیت‌های آموزش زنان» مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. دیدگاه کلی

دیدگاه کلی آیت الله محسنی^(ح) در مورد حق آموزش زنان از کتب، آثار علمی و فقهی و بیانات نامبرده به خوبی قابل استنباط است. وی در موارد متعدد با تأکید بر فراگیری علم، آموزش را تنها راه نجات و رهایی از هر نوع مشکلات و گرفتاری‌های اجتماعی، اخلاقی و روانی می‌داند و می‌گوید هیچ دین و مکتبی به اندازه اسلام روی مسأله آموزش علم توجه و تأکید ننموده است. در کتاب روش جدید اخلاق اسلامی خود چنین ایراد نموده است: «نادانی از بزرگترین بلاهای انسانیت است، اکثر بدبختی‌های اخلاقی، روانی و اجتماعی و خصوصاً از نادانی بروز می‌کند، شاید هیچ دینی و قانون و مکتبی به اندازه اسلام به آموختن علم و اهمیت علم و علماء سفارش ننموده باشد. بلی مدح علم و علما و نکوهش جهل و نادانی در حد بی‌نظیری در قرآن و سنت وجود دارد. و مسأله آنقدر واضح است که نقل

نصوص دینی را تقریباً غیر مفید می‌سازد» (محسنی، روش جدید اخلاق اسلامی، ۱۳۶۵، ۱۸۲) وی در ادامه این سخن صرفاً به استناد يك روایت اکتفا می‌کند که بیانگر ارزش علم و جایگاه عالم است. این روایت را حضرت آیت الله العظمی محسنی^(ح) به نقل از مرحوم کلینی مطرح می‌کند که در اصول کافی آورده شده است: «عالم ینتفع بعلمه خیر من سبعین الف عابد» به این معنا که عالمی که از علمش نفع ببرد (یا از علمش نفع برده شود) از هفتاد عابد برتر است. بیان این روایت و تأیید آن از سوی ایشان حاکی از باورمندی کامل وی به ضرورت آموختن علم است که به صورت مطلق آن را بیان نموده و هیچگونه قرینه مبنی بر دلالت آن صرفاً نسبت به مردان وجود ندارد. پاسخ به پرسش‌های شرعی جوانان و مؤمنین که در دوران حیات پر بار فقیه نامبرده یکی از برنامه‌های اصلی ایشان بوده است، نیز از منابعی است که می‌توان دیدگاه فقهی ایشان را در این زمینه پیدا نمود. در موارد متعدد که سوال در زمینه برابری حق تحصیل زن و مرد مطرح گردیده است، ایشان زن و مرد را از حق تحصیل به طور یکسان برخوردار دانسته و هیچ تفاوتی ذاتی در این زمینه میان آنها قائل نمی‌باشد. به طور مثال سوالی که از سوی دختر خانمی در این ارتباط مطرح گردیده است از سوی ایشان چنین پاسخ داده شده است: «دختری هستم که بیست و یک سال دارم و تازه از صنف دوازده فارغ شدم، آرزو دارم که ادامه تحصیل دهم اما فامیلم اجازه نمی‌دهد. آیا حق زن و مرد در کسب تحصیل علم در جامعه یکسان نیست؟ جواب: در مورد تحصیل، حق هر دو یکسان است ولی توجه کنید که تحت تأثیر افراد شاید قرار نگیرید.» (محسنی، پاسخ سوالات فقهی، اخلاقی و متفرقه، ۴۳۶) در جای دیگر نیز در پاسخ به سوال شرعی دختر خانمی چنین ایراد نموده است: «دختری هیجده ساله‌ی هستم که خیلی دوست دارم در آینده برای خود شخصی باشم، اما پدرم اجازه رفتن به دانشگاه را نمی‌دهد. لطفاً راهنمایی نمایید! جواب: در یکی از مدارس دینی بروید و درس بخوانید تا شخصیت فرا گیر شوید.» (همان: ۴۳۷) جواب اخیر ایشان بیانگر این نکته است که برای تحصیل زنان و دختران هیچ محدودیتی وجود ندارد اگر احوال و اوضاع حاکم بر محیط تحصیلی زن غیر شرعی باشد باید آن شرایط را تغییر داد و در محیطی شرعی که شرایط فراهم باشد به ادامه تحصیل پردازد.

فقیه نامبرده^(ح) در توضیح المسایل طبی خود که از جمله آثار فقهی گرانسنگ ایشان به شمار می‌رود در مورد حکم فراگیری علم طب از سوی زنان و دختران چنین فتوا داده است: «بعید نیست بر دختران و زنان آموختن علم طب در رشته قابلگی و امراض زنانه واجب کفائی باشد، و دراین صورت حکومت اسلامی می‌تواند زنان و دختران با استعداد را به مقدار نیاز مجبور به یاد گرفتن علم طب نماید.» (محسنی، توضیح المسایل طبی، ۱۳۷۵: ۱۱) ایشان





در جای دیگر اشاره به مبلغین و قلم‌بدستان جامعه اسلامی توصیه می‌کند که نباید به گونه قلم فرسایی نمایند و از اسلام تبلیغ کنند که مسلمانان را از تحصیل علم دلسرد سازند: «در اینجا باید به همه دلسوزان به اسلام و مسلمین خاطرنشان گردد که در ارشاد مسلمانان چه در سخنرانی و چه در قلم‌فرسایی نباید مسلمانان را از تحصیل علم و آموختن صناعات و ترقی مادی دل زده نمایند که در ترك ترقی مادی مغلوبیت اسلام نهفته است» (محسنی، گوناگون، ۱۳۹۵: ۳۴) این سخن به وضوح دیدگاه ایشان را در مورد حکم شرعی تحصیل علم نسبت به مسلمانان بیان می‌دارد و چنانچه ملاحظه می‌گردد هیچگونه قید و شرطی جنسیتی برای آموختن علم ذکر نگردیده است. نامبرده در موردی دیگر در پاسخ به سوالات شرعی مؤمنین که پرسیده بودند: «علمی که در اسلام برای مرد و زن فرض شده است شامل کدام علوم است؟ آیا به خاطر آموختن علم، ما نیاز به اجازه داریم؟» چنین ایراد نموده است: «علم عقاید، علم فقه حلال و حرام شرعی و آموختن آن، محتاج به اجازه نیست». براین اساس آنچه از سوال مزبور و پاسخ ایشان فهمیده می‌شود این است که در آموختن مسایل شرعی حتی اجازه زنان از مردان لازم نیست و فراگرفتن آن وجیهه دینی به شمار می‌آید. (محسنی، پاسخ سوالات فقهی، اخلاقی و متفرقه، ۱۳۹۴: ۵۶۷)

آیت الله العظمی محسنی^(ح) با اهتمام به فراگیری علم و دانش از سوی همه افراد جامعه اما فراگیری علم از سوی زنان را بیشتر در محاق توجه و تأکید قرار داده و در بیان وظایف شرعیه زنان آنگاهی که سایر وظایف و تکالیف زنانگی زنان را بر می‌شمارد، مسأله آموختن علم را نیز از نظر دور نمانده و تحصیل را از وظایف آنان به حساب می‌آورد: «به تحصیل علم پردازند که رشد نسل آینده به همین موضوع مربوط است.» (محسنی، نقش اسلام در عصر حاضر، ۱۳۸۷: ۷۰) این سخن ایشان نه تنها حق تحصیل زن که وظیفه تحصیل علم برای زنان را ثابت می‌سازد. فقیه نامبرده در جای دیگر برای رد شبهه‌ای که ممکن است ذهن برخی‌ها را به مسیری سوق دهد که گویا اسلام با اصل تحصیل و آموزش زنان مخالف است، چنین ایراد نموده است: «اسلام نه تنها با اصل بیرون رفتن زن از خانه و تحصیل و فعالیت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی زن مخالف نیست، بلکه بر موارد همچون علم آموزی نیز سفارش می‌کند.» (محسنی، رنگارنگ، ۱۳۹۴: ۳۶۳) بحث در مورد حق آموزش زنان از منظر آیت الله محسنی^(ح) آنگاهی که ایشان در مورد حقوق دختران سخن می‌زنند، زیبایی و شکوه بیشتری را به خود می‌گیرد. ایشان با بیان اینکه زنان و دختران حق تحصیل و آموزش دارند، مردان را به حمایت از دختران و زنان برای بالندگی نسل‌های آینده جامعه تشویق و توظیف می‌کند: «مردان باید متوجه باشند اگر زنان، با فضل و اخلاق باشند، نسل جدید خیلی خوب

تربیت می‌شوند ولی اگر زنان، جاهل و بی‌سواد و بی‌خبر از دین باشند، نسل جدید همانند مادران خود بیکاره بار می‌آیند.» (محسنی، نقش اسلام در عصر حاضر، ۱۳۸۷: ۶۹) وی با بیان این مطلب داشتن آینده روشن و درخشان جامعه را نتیجه باسواد بودن مادران و زنان جامعه دانسته و بر عکس تاریکی و مشکلات آینده جامعه را معلول جهل و بی‌سوادی آنان می‌داند. بدون شک تجربه جوامع توسعه یافته نیز مؤید این سخن است. انکشاف و توسعه کشورها و جوامع نه تنها ثمره زحمات و تلاش‌های مردان تحصیلکرده که نتیجه تلاش‌های زنان و مردان باسواد، تحصیلکرده و متخصصی بوده که دوش به دوش یکدیگر برای توسعه و آبادانی جامعه شان کار کرده‌اند. حتی در جوامع غربی که باوجود شعارهای رنگارنگ و پر زرق و برق نسبت به حقوق زنان با وجود مؤثریت جدی زنان تحصیلکرده در روند توسعه و انکشاف اجتماعی اما در عمل همواره عفت و شخصیت زنان را مورد بی‌توجهی و ستیز قرار داده‌اند.

حکم شرعی تحصیل و آموزش زنان در شریعت اسلامی از منظر آیت الله محسنی^(رح) آنگاهی که ایشان آموختن و فراگرفتن علم را از عبادات محسوب می‌کند واضح‌تر و عمیق‌تر می‌گردد. در این زمینه چنین ایراد نموده است: «به هر حال، در مورد خلقت انسان نیز این سؤال وجود دارد که انسان را برای چه خلق نموده است؟ در جواب قرآن مجید می‌فرماید: برای عبادت خالق، عبادت خالق عبارت‌اند از نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد، اعتکاف و هم‌چنین کارهای مستحبی مانند، خدمات اجتماعی، کمک به فقراء، کمک به خلق الله، درس خواندن و علم آموختن در ابعاد مختلف، به نیت این که درس بخواند، علم پیدا کند تا قربه^۱ الی الله برای مردم مسلمان و کشور اسلامی خود خدمت کند. این‌گونه علم آموختن عبادت است، کمک نمودن به فقراء درس خواندن، اختراع، ابتکار و نوآوری همه و همه، اگر به نیت قربه^۲ الی الله و خدمت به مردم مسلمان باشد از عبادات خدا محسوب می‌شود.» (محسنی، انوار هدایت، ۱۳۹۴: ۲/۲۷۷) در این بیان زیبا که علم‌آموزی جزئی از عبادات الهی به حساب آمده، یقیناً هیچ‌گونه تفاوتی میان زن و مرد در برخورداری از این حق وجود ندارد. زیرا، خداوند خود فرموده است که: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (الذاریات/۵۶) چنانچه در عبادت خداوند هیچ تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد یقیناً در برخورداری از حق آموزش نیز این تفاوت وجود نخواهد داشت. به‌طور کلی نظر فقهی ایشان در خصوص حق تحصیل زن و اشتغال آنان و سایر موارد مشابه چنین است: «به عقیده نگارنده محصور کردن زن در خانه و بی‌سواد نگهداشتن او در زمان ما، به صلاح نیست، تحمیل کار خانه و مهمانداری و لباسشویی و پخت و پز بدون رضایت زن جایز نیست، بگذارید دختران ما درس بخوانند، احکام دینی خود را یاد بگیرند. در يك جوّ تقوی و ادب با





حفظ حجاب در امور سیاسی و اجتماعی حسب دلخواه خود اقدام کنند و آزاد باشند و حتی بتوانند به بازی‌های مورد علاقه مانند فوتبال، والیبال، تنیس و شنا و غیره در يك محیط خلوت و بدور از انتظار مردان مشغول گردند و مصلحین عاقبت اندیش بدانند که افراط در تقیید زن، موجب تفریط می‌شود و تفریط منجر به افراط می‌شود. و خیرالامور اوساطها» (محسنی، زن در شریعت اسلامی، ۱۳۹۱: ۸۹).

۲. ضرورت به آموزش زنان

آنچه مسلم است این نکته است که احکام شرعی اسلام مبتنی بر حکمت الهی بوده و در کلیه واجبات و محرمات الهی مصلحت و مفسده نهفته است. اگر برای زنان حق و فریضه آموختن دانش در نظر گرفته شده است باید دلیل و مصلحتی نیز در آن وجود داشته باشد کما اینکه در این مورد اگر قائل به منع شرعی باشیم باید مفسده‌ی نیز برای آن پیدا نماییم. با مرور به منابع شرعی به خصوص آثار فقهی اکادمسین آیت الله محسنی^(ح) ضرورت‌های جدی برای تحصیل دختران و زنان مطرح گردیده است که هرکدام می‌تواند دال بر وجود مصلحت در فریضه آموزش زنان و دختران باشد. نخستین ضرورت برای آموزش زنان را می‌توان از تربیت سالم نسل آینده جامعه نام برد. تردیدی نیست که مادران در تربیت فرزندان خود نقش اساسی و تعیین کننده دارند. همین طور شکی نیست که خانواده رکن رکین جامعه بوده و والدین دو ستون محکم و سازنده خانواده محسوب می‌گردند. در این روند اگر الگویی از جامعه آرمانی را بخواهیم ترسیم نماییم می‌بینیم که جامعه سالم و بالنده بر بال خانواده‌های سالم به پرواز می‌نشینند بنابراین برای تحقق این مهم باید به سراغ خانواده‌ها رفت و کانون خانواده را اصلاح و بازسازی نمود. در ایجاد خانواده سالم کلید سازندگی و اصلاح در دست والدین قرار دارد و در این میان مادران که مریبان اصلی فرزندان خود هستند نقش اول و تعیین کننده در تربیت اولاد و از این طریق تشکیل خانواده سالم و سپس ایجاد جامعه آرمانی و سالم را دارا اند. مادران که آموزگاران مهم زندگی هر انسان به حساب می‌آیند به یقین مسؤولیت سنگین نیز در این راستا به دوش دارند. آیت الله محسنی^(ح) ضرورت آموزش زنان را با ذکر این سخن روشن نموده است: «بلی یکی از مهمترین وظایف زن، پرورش و تربیت سالم فرزندان اوست که سرنوشت آینده کشور وابسته به سلامت و تربیت و کمال آنان است و بسیار مشکل است که جز مادر کسی بتواند نیازهای بچه‌ها را تأمین نماید» (محسنی، جوانان و دوره جوانی: ۵۴) یا در جای دیگری با اشاره به این مسأله بیان می‌دارد که: «فراموش نکند که خانه داری و تربیت اولاد نشانه و علامت عقب‌ماندگی و پسمانی زن نیست بلکه از مقدس‌ترین و مهمترین فعالیت‌های پرثمر اوست. همیشه صلاح نسل آینده در گرو تربیت مادران امروزی است.» (محسنی، مباحث علمی دینی، ۱۳۸۷: ۸۱/۱) این نکته به خوبی نگاه ایشان را در مورد

ضرورت آموزش زنان برای تربیت سالم نسل آینده و رسیدن به جامعه عاری از فساد و بدبختی روشن می‌سازد. همین‌طور در مورد دیگر بازهم با تأکید به ضرورت تحصیل زنان به‌منظور تربیت سالم نسل آینده جامعه چنین ایراد نموده اند: « زنان باید به تحصیل علم بپردازند که رشد نسل آینده به همین موضوع مربوط است. » (محسنی، نقش اسلام در عصر حاضر، ۱۳۸۷: ۷۰)

همین‌طور نقش زنان را در توسعه علمی و انکشاف اجتماعی نیز نمی‌توان از نظر دور داشت. بنابراین ضرورت آموزش آنان را برای تحقق این مهم نیز باید مورد توجه قرار داد. آیت الله محسنی بر این ضرورت انگشت نهاده و آن را از مهم‌ترین دلیل التزام زنان به تحصیل علم عنوان نموده است. وی فراگیری علم طب را برای زنان واجب کفایی دانسته و بیان داشته است که: « بر اساس روایاتی زنان در جبهات جنگ در زمان حیات پیامبر اکرم بتداوی مجروحان می‌پرداختند. بلکه می‌شود گفت که آموختن طب بر زنان واجب کفائی می‌باشد تا زنان مریض در موقع عملیات و امثال آن توسط زنان تداوی شوند » (محسنی، تصویری از حکومت اسلامی در افغانستان، ۱۳۷۱: ۱۸۴) همین‌طور در جای که معظم‌له مبلغین اسلامی را به تبلیغ درست از معارف اسلامی ارشاد می‌نمایند و آنان را از تبلیغی که امت مسلمه را از آموختن علوم عصری و صناعات و توسعه و انکشاف اجتماعی دلسرد نماید منع می‌نماید و ضرورت دلگرمی و التزام امت اسلامی به علوم روز و صناعات انکشافی را چنین توضیح می‌دهد:

« در ترك ترقی مادی مغلوبیت اسلام نهفته است. » (محسنی، گوناگون، ۱۳۹۵: ۳۴) ایشان در پاسخ به سوال شرعی دختر خانمی که به دلیل عدم موافقه خانواده‌اش از ادامه تحصیل خود نگران بوده و از ایشان راهنمایی خواسته است چنین ارشاد نموده اند: « با حجاب درس بخوانید و در مدرسه دختران، معلمی کنید. » وی با بیان اینکه فراگیری علم برای زنان برای توسعه و ترقی جامعه که ضرورت جدی برای آن وجود داشته باشد فرض دانسته و بیان نموده است که: « بعید نیست بر دختران و زنان آموختن علم طب در رشته قابلیت و امراض زنانه واجب کفائی باشد، و در این صورت حکومت اسلامی می‌تواند زنان و دختران را با استعداد را به مقدار نیاز مجبور به یاد گرفتن علم طب نماید و چون اوضاع زندگانی امروز با گذشته فرق زیادی پیدا نموده کسی نمی‌تواند برای نفس این وجوب به سیره تمسک جوید و این تعلیم اجباری در فرض احتیاج در همه رشته‌های علمی و صناعات لازمه از وظایف حاکم شرعی است. » (محسنی، توضیح مسائل طبی، یا وظیفه شرعی داکتران و بیماران، ۱۳۷۵: ۱۲) مطابق با این دیدگاه معظم‌له، نه تنها فراگیری علم در رشته طب که در همه رشته‌ها و صناعات مورد نیاز جامعه برای زنان واجب بوده و برای حاکم اسلامی نیز لازم است که زنان را در این مسیر حمایت و حتی به قدر نیاز اجبار نماید. بنابراین دومین ضرورت برای برخورداری زنان از حق





آموزش و حتی تکلیف زنان به آموختن علم، نقش و تأثیر گذاری جدی زنان در روند توسعه و انکشاف اجتماعی است.

حفظ فرهنگ و هویت دینی زنان سومین ضرورتی است که برای تحصیل و آموزش آنان می تواند مطرح باشد. برای اینکه زنان بتوانند هویت و فرهنگ اسلامی خود را که سپر محکم در برابر اهداف ضد ارزشی و تبهکارانه انسانهای سودجو و کام پرور برای آنها است، حفظ نمایند، لازم است که ظرفیت علمی و سطح آگاهی آنان در عرصه های مختلف تقویت شود. این مهم میسر نیست مگر با آموزش زنان و دختران مطابق فرهنگ و شئون اسلامی. این محور از دیدرس آیت الله محسنی^(ح) نیز بدور نمانده است. نامبرده در این زمینه چنین اشاره نموده است: «در دین مقدس اسلام، فراگیری علوم و تحصیل آن، برای همه سفارش شده است و در این مورد بین زن و مرد استثناء قایل نشده است؛ لذا همه مردم وظیفه دارند که برای تحصیل علوم تلاش نمایند؛ اما در شرایط کنونی این موضوع برای خانم ها بسیار جدی و ضروری است؛ زیرا دشمنان اسلام برای ضربه زدن به پیکر جامعه ی اسلامی، بیشتر طبقه ی اناث را آماج تبلیغات زهراگین خود قرار می دهند. آنها به نام حقوق زن، آزادی، دموکراسی، تساوی حقوق و ... می خواهند زن های مسلمان را منحرف نموده و به فساد اخلاقی بکشانند. نمونه ی آن را همه ی ما در تبلیغات تجارتي بعضی از رسانه های صوتی، تصویری و تحریری مشاهده می نماییم. بنابراین بهترین راه مقابله با این تهاجم ضد انسانی، آگاهی دادن زنان، توسط مبلغین اناث است.» (محسنی، انوار هدایت، ۱۳۹۴: ۱۶/۱)

۳. شرایط و حدود آموزش زنان

در مباحث پیشین احکام آموزش زنان و دختران مطابق فتاوی و دیدگاه های فقهی آیت الله العظمی محسنی^(ح) مطرح گردید و ضرورت آموزش زنان نیز به طور مختصر بیان شد. اینک به این مسأله می پردازیم که مطابق نظریات فقهی معظم له کدام شرایط و حدود برای برخورداری از حق تحصیل یا ادای تکلیف شرعی تحصیل از سوی زنان وجود دارد؟ آنچه روشن است این نکته است که در بینش اسلامی آنکه صرفا محق است فقط خداوند تبارک و تعالی است و اگر انسانها از حقوق و آزادی های برخوردار می شوند استفاده از این حقوق و آزادی ها مطلق نیست بلکه مقید به شرایطی خاصی است که در نبود این شرایط و محدودیت ها استفاده از حق مورد نظر برای انسان بجای مصلحت، مفسده خلق می نماید. حق آموزش زنان نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست و قطعا تابع شرایط و محدودیت های است که شرعا باید مورد توجه قرار داده شود. شرایط و حدود برخورداری زنان از حق آموزش با توجه به اهمیت این مبحث مستلزم آنست که از منظر آیات و سنت به طور مبسوط مورد بررسی قرار

بگیرد. برای بررسی و کنکاش در این زمینه، طرح احادیث و روایات از منابع حدیثی و روایی و نیز دیدگاه‌های فقه‌های تمامی فرق اسلامی می‌تواند حایز اهمیت باشد اما با توجه به گنجایش اندک این نوشتار صرفاً به بررسی چند مورد از احادیث مستند به منابع اهل سنت و منابع اهل تشیع از یکسو و بررسی نظریات آیت‌الله محسنی^(ح) از سوی دیگر اکتفا می‌کنیم.

در منابع حدیثی اهل سنت از جمله صحیح بخاری، سنن ابی داوود، تفسیر طبری و امثال آن و در منابع اهل تشیع نیز در اصول کافی، بحارالانوار و معجم الاحادیث المعتمره و سایر منابع که در گفتار اول این نوشتار به آنها اشاره رفت، بحث‌های مبسوط و احادیث متعدد از پیامبر گرامی اسلام در مورد تعیین حدود شرعی آموزش زنان از جمله بحث اختلاط زن و مرد، پوشش و خروج از خانه به منظور آموزش بیان گردیده است که همه در راستای عزت و شرافت زن و تحکیم بنیادهای خانواده‌ها و اجتماع است. با استناد به این احادیث زنان باید در جریان آموزش بحث پوشش، اختلاط با مردان بیگانه و خروج از خانه با اجازه شوهر یا ولی را مطابق احکام شریعت اسلامی مورد توجه قرار دهد. از جمله طبری از عایشه نقل نموده است: «که روزی دختر برادرم عبدالله بن طفیل بر من وارد شد و سپس رسول خدا^(ص) وارد شد و روی از من برگرداند. برایش گفتم ای رسول خدا این دختر برادرم است و نوجوانی بیش نیست. ایشان فرمود هنگامی که دختر به سن بلوغ می‌رسد تنها جایز است که صورت و دستانش آشکار باشد، سپس دستش را به محل جدایی ساعد از کف دست دیگری قرار داد.» (طبری، ۱۴۱۲: ۹۳/ ۱۸) در حدیثی دیگری حضرت علی^(ع) از پیامبر گرامی اسلام نقل می‌نماید که حضرت نگاه شهوت‌آلود به نامحرم را به تیر زهراگین دشمن تشبیه نموده و فرموده است: «نگاه کردن در محاسن زنان، تیری است زهرآلود از تیرهای ابلیس؛ هرکه چشم نگهدارد، خداوند او را به بندگی آن عبادتی کرامت کند که به ثواب آن شادمان گردد.» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۲۴)

در مورد اختلاط زن و مرد نیز مطابق برخی منابع اهل سنت عدم اختلاط زن و مرد نامحرم حتی در ورود و خروج از مسجد آنقدر برای آنحضرت^(ص) اهمیت داشت که دروازه‌ی را مخصوص ورود و خروج زنان در مسجد قرار داده بودند و مردان حق ورود و خروج از آن در را نداشتند. حدیث تأکید می‌کند که: «عبدالله بن عمر تا زمانی که زنده بود هیچگاه از در مذکور رفت و آمد ننمود.» (ابو داوود، ۲۰۰۹: ۴۲۳/۱)

یا اینکه ام سلمه^(س) در توصیف رفتار پیامبر گرامی اسلام گفته است که آنحضرت^(ص) پس از اتمام نماز مکث می‌نمودند و چگونه ای از مسجد خارج می‌شدند که زنان از مسجد خارج شده و وارد خانه‌های خود می‌شدند و تا هنگامی که رسول خدا بلند نشده و از مسجد خارج





نمی شد سایر مردان نیز از مسجد خارج نمی شدند تا بدین ترتیب جلوی هرگونه تماس بدنی گرفته می شد. (بخاری، ۱۴۰۷: ۱/ ۲۹۵ و سنن نسائی، ۱۴۰۴: ۳/ ۶۷)

همین طور در صحیح مسلم نیز از پیامبر گرامی اسلام نقل گردیده است که آنحضرت (ص) فرموده است: «هیچ زنی با مرد نا محرمی خلوت نکند مگر محرمی همراه او باشد» (زیدان، ۱۳۹۴: ۱۴۰) یا اینکه مشخصاً در مورد آموزش زنان در دوره پیامبر گرامی اسلامی به نقل صحیح بخاری از ابو سعید خدری که گفته است: «زنان به پیامبر اسلام (ص) گفتند مردان در استفاده از محضر شما بر ما پیشی بسته اند پس خود روزی را بر ما اختصاص بده، آنحضرت نیز چنین کرد و روزی را در هفته برای ملاقات با آنان تعیین کرد که در آن روز به تعلیم زنان می پرداخت.» (بخاری، ۱۳۴: ۲)

آیت الله محسنی (ح) نیز توجه به شرایط و حدود شرعی برای آموزش زنان را شرعاً لازم دانسته و در این مورد اجازه ولی و شوهر، چگونگی محیط تحصیل، خطرات احتمالی که نجابت و شخصیت آنان را در جریان تحصیل به خطر اندازد مطرح نمود است. معظم له در پاسخ به استفتاء یکی از مؤمنین که پرسیده بود در تحصیل کدام علم اجازه زن از سوی ولی یا شوهر وی لازم است، چنین پاسخ داده است: «علم عقاید، علم فقه حلال و حرام شرعی و آموختن آن، محتاج به اجازه نیست». این بدین معناست که در فراگیری علم فقه و شناختن حلال و حرام شرعی اجازه والدین و شوهر که در سایر امور اجازه آنها ممکن است لازم باشد، شرط نیست. اما در فراگیری سایر علوم اگر تحصیل علم مستلزم بیرون رفتن از خانه باشد باید زن شوهردار از شوهر خود اجازه بگیرد. از سوی دیگر زنان در صورتی از حق آموزش و تحصیل می تواند استفاده نمایند که محیط تحصیل نجابت فردی، عفت اجتماعی و شخصیت زنانگی او را لطمه دار نسازد. اگر این شرط برای زن یا دختری فراهم نباشد باید از محیط و فضای استفاده علمی ببرد که محدودیت ها و خطرات مذکور را نداشته باشد و این نه تنها به ضرر زن نیست که به خیر و صلاح زنان می باشد. (محسنی، پاسخ به پرسش های فقهی، اخلاقی و متفرقه، ۱۳۹۴: ۴۳۶)

به طور خلاصه شرایط و محدودیت های آموزش زنان را مطابق نظر محدثین و فقهای فریقین می توان در نکات ذیل مطرح نمود:

۱. جدایی میان پسران و دختران در جریان آموزش؛ در این مورد نویسندگان اهل سنت در حوزه حقوق زن گفته اند که اگر صنف درس منظم باشد و به گونه ای سازماندهی شود که پسران در چوکی های پیش بنشینند و از دروازه مخصوص خود به صنف وارد شوند و چوکی

دختران پشت چوکی پسران باشند و فاصله مناسب میان چوکی‌های دختران و پسران رعایت شده باشد و دختران نیز از دروازه مخصوص خود به صنف وارد و خارج شوند، و هم‌چنین اگر آموزگار زن موجود نباشد و صنف درسی جداگانه نیز امکان نداشته باشد با این نظم و ساز ماندگی می‌تواند آموزش پسران و دختران را باهم جایز دانست (زیدان، پیشین: ۱۳۹)

۲. زنان و دختران در جریان آموزش باید در پوشش خود از لباس‌های استفاده نمایند که برای مردان مهیج نبوده و اعضای بدن زن در آن پیدا نباشد.

۳. ترجیحاً زنان باید به زنان و دختران دیگر آموزش دهند. اما اگر زن برای آموزش وجود نداشته باشد، استفاده از آموزگار مرد که امین و پرهیزگار باشد بدون اشکال است. زیرا، وجود مرد در خلوت زنان جزء خلوت حرام از نظر شریعت اسلامی مطابق منابع حدیثی اهل سنت شمرده نمی‌شود.

۴. خروج از خانه با اجازه شوهر (اگر ازدواج کرده باشد) یا با اجازه ولی (چنانچه ازدواج نکرده باشد) برای فراگیری علم لازم است. اما این شرط در مورد فراگیری دروس شرعی و فهمیدن حلال و حرام الهی منتفی می‌گردد.

۵. تحصیل در محیطی که نجابت و شرافت زن را به مخاطره نیاندازد. اگر چنین بود، زن برای فراگیری علم به محیط سالم که شرعاً مانعی در آن نباشد، مراجعه نماید.

نتیجه‌گیری

با مرور به مطالب این نوشتار در پرتو نظریات و تحقیقات علمی و فقهی آیت‌الله محسنی (ح) و سایر فقهای جهان اسلام حق تحصیل و آموزش زن نه تنها ممتنع نیست بلکه در بسیاری موارد به‌عنوان واجب کفایی مطرح گردیده است. این رویکرد شریعت اسلامی در مورد آموزش زنان با توجه به ضرورت‌های نهفته در این مسأله اتخاذ گردیده است. ضرورت چون نقش زنان در تربیت سالم نسل بشر، توسعه و انکشاف اجتماعی، حفظ هویت و فرهنگ دینی و مدیریت و رهبری جامعه اسلامی اقتضا می‌کند که آنها از حق بر آموزش برخوردار باشند. اما آنچه اسلام در ضمن تأکید بر آموزش زنان مورد توجه قرار داده و شرطی برخوردار از این حق محسوب نموده است این نکته است که تحصیل و آموزش زنان نباید منجر به لطمه‌زدن به شخصیت، نجابت، تقوا و تدین زنان شود. محیط و فضای حاکم بر آموزش زنان باید بگونه‌ای باشد که آنان از مجرای آموزش و تعلیم بتوانند فطرت الهی و استعدادهای خدادادی خود را در مسیر تکامل و خدمت‌گزاری متعهدانه به امت اسلامی استفاده نمایند. آیت‌الله العظمی محسنی (ح) به‌عنوان یکی از فقهای و محققین بنام جهان اسلام با درک این ضرورت اقدام به تأسیس مدرسه دینی



خدیجه الکبری و پوهنتون خاتم النبیین (ص) نموده اند که هرکدام در جای خود برای رشد و بالندگی علمی زنان و دختران افغانستان تا کنون مؤثر و مفید واقع شده است.



پرو، شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سال اول، شماری اول، خزان ۱۴۰۲



۱۱۴



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابو داود سجستانی، سنن، تحقیق: شعيب ارنؤوط، دمشق، دارالرساله، ۲۰۰۹.
۳. اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۹۴۸ مجمع عمومی ملل متحد.
۴. الغامدی، عبداللطیف، حقوق بشر در اسلام، ۱۳۹۴.
۵. الباسی، محمدقاسم؛ حقوق بشر و آزادیهای اساسی، کابل انتشارات دانشگاه خاتم النبیین (ص)، ۱۳۹۴.
۶. بخاری، صحیح بخاری، تحقیق: مصطفی ديب البغاء، دار ابن کثیر، بیروت، الیمامه، سوم، ۱۴۰۷.
۷. رازی، ابوالفتح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، ۱۴۰۸.
۸. زیدان، عبدالکریم، ترجمه سهیلا رحمتی، حقوق و تکالیف زن در اسلام، دیجیتال، ۱۳۹۴.
۹. طبری، ابو جعفر محمدبن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲.
۱۰. عباسی، بیژن، حقوق بشر و آزادیهای بنیادین، تهران، مؤسسه انتشارات دادگستر، ۱۳۹۰.
۱۱. علامه حلی، تذکره الفقهاء، جلد ۹.
۱۲. کلینی، اصول کافی، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۸۵.
۱۳. _____؛ افق اعلی، کابل، مرکز حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی محسنی، ۱۳۹۶.
۱۴. _____؛ برگری دیگر از فعالیت‌های احزاب جهادی در اثنای جهاد و بعد از آن، کابل، مرکز حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی محسنی، ۱۳۹۶.
۱۵. _____؛ پاسخ به سوالات فقهی، اخلاقی و متفرقه، کابل، انتشارات چهاردهی، ۱۳۹۴.
۱۶. _____؛ تصویری از حکومت اسلامی در افغانستان، قم، انتشارات حرکت اسلامی، ۱۳۷۱.
۱۷. _____؛ توضیح المسایل طبی، قم، انتشارات فرهنگی حرکت اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۸. _____؛ رنگارنگ، کابل، ۱۳۹۴.
۱۹. _____؛ روش جدید اخلاق اسلامی، کابل، حوزه علمیه خاتم النبیین (ص)، ۱۳۶۵.
۲۰. _____؛ زن در شریعت اسلامی، کابل، انتشارات حوزه علمیه خاتم النبیین (ص)، ۱۳۷۱.
۲۱. _____؛ گوناگون (قصه‌های کوتاه و آموزنده)، ج ۱، کابل، ۱۳۹۵.
۲۲. _____؛ مباحث علمی و دینی، کابل، انتشارات حوزه علمیه خاتم النبیین (ص)، ۱۳۸۷.
۲۳. _____؛ معجم الاحادیث المعتمره، قم، دارالنشر ادیان، ۱۳۹۲.
۲۴. _____؛ نقش اسلام در عصر حاضر، کابل، ۱۳۸۷.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، انتشارات اسلامی، چاپ ۴، ۱۳۸۶.
۲۶. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی ملل متحد.
۲۷. نسایی، السنن الصغری، تحقیق: عبدالفتاح ابوالغده، حلب، المطبوعات الاسلامیه، ۱۴۰۶.
۲۸. یزدی، محمد، رویکرد متعالی فقه اسلامی به حقوق بشر، قم، انتشارات مؤسسه علمی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.

